



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: نقاشی ترم: چهارم سال تحصیلی: 1398-1399
نام درس: طراحی موضوعی نام و نام خانوادگی مدرس: ماندانا سپاسی
آدرس email مدرس: sepasi.mandana@gmail.com تلفن همراه مدرس: 09122145708

جزوه درس: طراحی موضوعی مربوط به هفته: اول □ دوم □ سوم □ چهارم □ پنجم □
text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □
تلفن همراه مدیر گروه: 09382780052

ادامه جلسه اول:

حرکت: هر ماده ای در ذات خویش در حرکت و تکاپوست و هر موجودی در طبیعت، از تحرک درونی برخوردار است. حرکت در یک تصویر، ممکن است با نقطه و یا خط ایجاد گردد و به شکل های مختلفی مطرح شود. شکل حرکت ممکن است به صورت مارپیچ، مدور، زیگزاک و راست باشد.

جهت حرکت نیز ممکن است بالا، چپ، راست و... باشد. هر عنصر تصویری یا هر شکلی، ممکن است انرژی حرکت را کم و بیش داشته باشد. مثلا در شکل مثلث انرژی حرکت به جانب گوشه ها و زوایای آن در جریان است، در لوزی به جانب قطرهای کوچک و بزرگ. هر سطحی با توجه به برتری یک جهت آن، انرژی حرکتی را به جانب همان جهت نشان می دهد و تحت تاثیر کشش های وارده از جهت های مختلف، به سمتی که طول بیشتری دارد حرکت می کند. مفهوم حرکت را به صورت های دیگری می توان ادراک نمود.

از جمله در اثر تکرار یک عنصر بصری، که این کار بوسیله تکرار عناصر زیادی امکان پذیر است. مثلا حرکت یک دایره در صفحه بوسیله تکرار مداوم که باعث بوجود آمدن نوعی ریتم نیز می گردد.

عنصر بصری حرکت، مانند بعد سوم و بافت بصری بیشتر به صورت کاذب در سطح دو بعدی طراحی یا بوسیله دوربین ثبت می گردد. در نقاشی جزئیات بسیار ریز روی یک سطح، این توهم را بوجود می آورد که صفحه ی کاغذ دارای آن بافت است و با استفاده از فن سایه روشن و پرسپکتیو توهم برجسته بودن تصویر بوجود می آید. اما ایجاد توهم حرکت در یک شکل ثابت و بی حرکت به مراتب دشوار تر است.

بعد از اختراع فن فیلمبرداری ایجاد توهم حرکت با تصاویر به اوج خود رسید. بهتر است بدانیم که حرکت تصاویر در فیلم نیز واقعی نیست و نوعی خطای باصره است به آن اصطلاحا تدوام در رویت می گویند. یک رشته تصاویر ثابت (۲۴ فریم در ثانیه) با چنان سرعتی عوض می شوند که قبل از آنکه تاثیر تصویر قبلی از سلسله اعصاب بینایی محو شود تصویر دیگر ظاهر می شود. در نتیجه تصاویر در هم آمیخته به نظر می رسد.

(Persistence of vision) یا خطای رویت

گاهی در یک کمپوزیسیون یا ترکیب بندی ممکن است به علت ریتم (تکرار یک عنصر) یا آهنگ موجود در آن، حالت حرکت را القا کند. تکرار یک عنصر در نقاشی یا عکس حالت حرکت را در دید انسان القاء می کند این حس را می توان با کشیدگی تصویر یا استفاده از سرعت شاتر پایین برای ثبت حرکت در عکاسی نیز القا کرد.

توجه داشته باشیم که تمامی عناصر یاد شده در یک ترکیب بندی موفق حتما در جای خود در جهت ایجاد یک حس بصری به کار می روند تا تاثیر گذار باشند.



آشنایی با انواع ترکیب بندی

ترکیب بندی: رسیدن به یک معنای خاص در کادر بستگی زیادی به نوع ترکیب بندی آن دارد، علاوه بر آن، ترکیب بندی یک اثر در جلب توجه بیننده نقش مهمی را ایفا می کند. کسی که می خواهد از راه تصویر با دیگران ارتباط برقرار کند، باید نظارت و احاطه ی کامل بر کارش داشته باشد

جای دادن منطقی عناصر تجسمی در فضای مورد نظر، در سطح دوبعدی و یا در فضای سه بعدی، ترکیب بندی یا کمپوزیسیون گفته می شود. ترکیب بندی، تحت قواعد و اصول معین و محاسبات دقیق انجام می گردد و بین عناصر تصویری، ارتباط، پیوند ایجاد می کند.

نظم و ترتیب دادن، برنامه ریزی کردن بین عناصر تصویری، منسجم نمودن قسمت ها با هم، ترکیب کردن و کنار هم قرار دادن آن ها، ساختار و سازماندهی عناصر تجسمی و بالاخره هماهنگ کردن همه ی اجزاء با هم، مفهوم ترکیب را مشخص می کند.

علاوه بر این می توانیم ایجاد هماهنگی و مطابقت بین دو یا چند واحد متشابه و یا متفاوت را ترکیب یا کمپوزیسیون بگوئیم. هر نقش و شکلی که در کادر وجود دارد، نسبت به شکل و فضای اطرافش جلوه و معنی خاص پیدا می کند که ناشی از مجموعه ی فعل و انفعالاتی است که عناصر داخل کادر بر خود و بر بیننده دارند.

(حرکت، ترکیب، ریتم و...) نیروهای تصویری که از جهات مختلف بر کادر اثر می گذارند موقعیت فضایی آن را ایجاد می کنند. علاوه بر مواردی که ذکر شد، رنگ، با ارزش های تصویری خاص خود که دائما تحت تاثیر و دگرگونی شرایط فضایی و تابش نور می باشد، و بافت نیز به صورت موثر در مشخص کردن موقعیت فضایی و کیفیات عناصر تصویری بسیار مهم هستند.

انواع ترکیب بندی - کمپوزیسیون

1- ترکیب بندی قرینه: نخستین و در عین حال ساده ترین نوع ترکیب است، این خود نوعی برخورد ساده با مفهوم "توازن" در سطح است، این نوع ترکیب معرف زمان، محیط و ذهنیتی آرام، متعادل، موزون و ایستا است و همواره ذهن هنرمند مضطرب، نامتعادل و پویاست، ترکیب قرینه کمتر در آثار هنرمندان مشاهده می شود.

2- ترکیب بندی عمودی: ترکیب عمودی معرف روحیه ای مثبت و موجب القای کیفیتی ایستا در تصویر است.

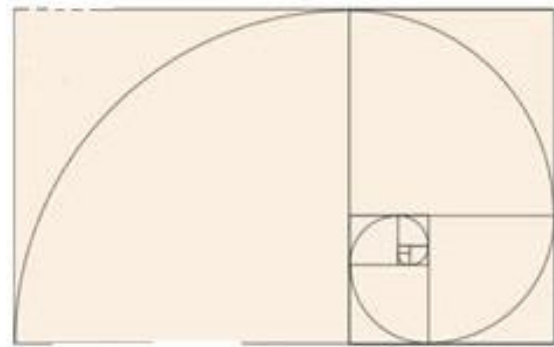
3- ترکیب بندی افقی: ترکیب با حرکت خط افقی کاریست سهل و ممتنع، ایجاد چند خط افقی روی سطح ابتدا بسیار ساده به نظر می رسد ولی به هنگام تنظیم و القای فضا از طریق آن، نیازمند خلاقیت، تمرکز است.

4- ترکیب بندی مدور: دایره را نمادی از آسمان و عالم ملکوت می دانند، در طبیعت، این شکل سیال و بدون زاویه را میتوان به هنگام بهار، زمانی که قطرات درشت باران روی سطح آب می چکد، شاهد بود نیز اگر دستمان را از ناحیه کتف در فضا بچرخانیم متوجه به وجود آمدن دایره خواهیم شد.

مسلمانان به هنگام مناسک حج، در حرکتی دوار کعبه را می ستایند، از نظر هندسی این شکل دارای مقاومت و استحکام است و به قول کاندنیسکی دایره، شکل گسترش یافته یک نقطه است.



- 5- ترکیب بندی متقاطع:** از تقاطع خطوط عمودی و افقی در یک تناسب حاصل می شود، ترکیب متقاطع تضادی را در بردارد، تضاد بین ایستایی و نرمش!
- 6- ترکیب مثلثی:** این نوع ترکیب از جهات بسیاری با ترکیب قرینه شباهت دارد ولی از قوانین آن پیروی نمی کند و به لحاظ ایستایی از استحکام استثنایی برخوردار است.
- 7- ترکیب بندی اریب:** حرکت اریب در تصویر، نمایشی از عدم ایستایی و تعادل است. حرکت اریب اگرچه در وهله نخست حکایت از ریزش، عدم پایداری و نابسامانی دارد، ولی همین عوامل منفی، در ذهن هنرمندی خلاق تبدیل به فضایی سازنده و مثبت گشته و به مثابه یک بیانیه تصویری قابل تعمق در می آید.
- 8- ترکیب بندی متمرکز و غیرمتمرکز:** اگر در روی سطح کاغذی که در اختیار داریم یک نقطه ایجاد نماییم، تمام توجه به آن نقطه معطوف می گردد. حال با تمرکز و پراکندگی این نقاط می توانیم هویتی جان بخش به کار بدهیم.



- 9- ترکیب حلزونی:** که از نام آن پیداست که به چه شکل صورت می گیرد. یکی از ابزارهای ترکیب بندی عکس برای هدایت چشم بیننده به نقطه مورد نظر عکاس، مارپیچ طلایی است. استفاده از این تکنیک در سوژه هایی که با نقاط طلایی سازگار نبوده اند قابل استفاده است. نحوه رسم مارپیچ طلایی نیز به این صورت است.
- 10- ترکیب موج:** ترکیب های موج به دو گونه معرفی می شوند: نخست ترکیبی که معرف التهاب و اضطراب درون است مثل آثار ونکوگ و دیگری ترکیب های موجی که به تنظیمی موزون و حساب شده است.
- 11- ترکیب منتشر:** فضا به مفهوم نیوتونی خود که همه چیز را به صورت توپر، ایستا و غیر قابل نفوذ معرفی می کند مطرح نیست بلکه در این نوع از ترکیب فضا به مفهوم تداوم زمان و فضا نزدیک و در کل تصویری تبیین می گردد، در ترکیب "منتشر" نقطه عطف، فضای مثبت و منفی، نور، متمرکز و ایستایی جایی ندارد و به عوض تداوم گسترش، استمرار و پویایی جایگزین آن شده است.
- 12- نسبت طلایی:** برای تعیین برخی از اندازه ها به نسبت های شکیل و زیبا، معروفترین فرمول، شیوه ای است که یونانیان باستان ابداع کرده اند و به "نسبت طلایی" معروف است.
- نسبت طلایی در اصل، فرمولی ریاضی و دارای زیبایی بصری است.
- در این روش: ابتدا مربع را با خطی عمود بر دو ضلع مربع به دو مستطیل مساوی تقسیم می کنند، سپس محل تقاطع آن خط با یکی از اضلاع مربع (نقطه A) را مرکز دایره ای به شعاع قطر مستطیل قرار می دهند (فاصله B تا A) و با ترسیم



این دایره و تعیین محل تقاطع آن با امتداد ضلع مربع (نقطه C) طول مستطیلی معروف به "مستطیل طلایی" به دست می آید که عرض آن برابر ضلع مربع و است و نسبت این طول و عرض ثابت و دارای زیبایی خاصی است، یونانیان در ساخت بسیاری از اشیا و ابینه و معابد و کوره ها و ... آن را به کار می بستند. قانون یک سوم کادر نیز در واقع همان مفهوم طلایی است. 4 خط تقسیم کننده یک کادر، خطوط طلایی و محل برخورد این خطوط، نقاط طلایی نامیده می شوند.



ترکیب بندی افقی



ترکیب بندی عمودی



ترکیب بندی قرینه

ترکیب بندی منتشر ترکیب بندی دایره ای ترکیب بندی متقاطع



ترکیب بندی متقاطع



ترکیب بندی مثلثی



ترکیب بندی مدور



تقسیم بندی طلایی



ترکیب بندی متمرکز



ترکیب بندی منتشره



سئوالات:

- 1- ترکیب بندی در طراحی را مختصر شرح دهید؟
- 2- خطای دید را در طراحی توضیح دهید؟
- 3- انواع ترکیب بندی را نام ببرید؟
- 4- تفاوت ترکیب بندی متمرکز با غیر متمرکز را توضیح دهید؟
- 5- تاثیر عنصر حرکت در طراحی تا چه اندازه می باشد؟